

یهودیان آمریکا، دقیقاً چگونه بر این کشور سیطره دارند؟

نویسندگان: رضا سیمبر*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۵

کیانوش نظری**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

۱۱۳

چکیده

ساختار سیاسی غیرمتمرکز و توزیع شده ایالات متحده آمریکا سبب شده است که گروه‌ها و تشکل‌های بسیاری بتوانند روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در این کشور را تحت تاثیر قرار دهند. در میان گروه‌هایی که برای تامین منافع حیاتی خود تلاش می‌کنند، یهودیان به خوبی و بهتر از سایر گروه‌ها توانسته‌اند در مباحث مربوط به خود (اسرائیل و خاورمیانه) بر سیاست خارجی آمریکا تسلط داشته باشند. با اینکه یهودیان تنها سه درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما توانسته‌اند به اثرگذارترین اقلیت قومی در ساختار قدرت آمریکا تبدیل شوند. این پژوهش درصدد است دلایل قدرت یهودیان در آمریکا (قدرت اقتصادی، سیطره بر رسانه‌های گروهی و سازمان‌های یهودی) را مورد بحث و بررسی قرار دهد. در عصر حاضر این عوامل مهم‌ترین ابزار صهیونیست‌ها برای اثرگذاری بر سیاست‌های قدرت اول دنیای کنونی در مسائل مربوط به اسرائیل و پرمنافشه‌ترین منطقه جهان، خاورمیانه، می‌باشند.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، سازمان‌های یهودی، رسانه

Rezasimbar@hotmail.com

* استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

kianoush_nazari@yahoo.com

**دانش‌آموخته روابط بین‌الملل

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال شانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۲۸-۱۱۳.

در عصر حاضر قدرت شگفت‌انگیز یهودیان و سیطره آنها بر تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایالات متحده آمریکا به گونه‌ای است که اکثر صاحب‌نظران آشنا به مسائل آمریکا معتقدند این گروه اقلیت، روند روزمره زندگی این کشور را در دست دارد و آن را کنترل می‌کند. وجود تشکیلات منظم، منسجم و گسترده، پیوندهای قومی سازمان‌یافته، برنامه‌های دقیق، پیچیده، حساب‌شده و بلندمدت یهودیان از مهم‌ترین عوامل قدرت و اقتدار این گروه بر غول ایالات متحده آمریکاست. یهودیان به شیوه اسفنج‌گونه تمامی امکانات موجود در آمریکا را در جهت منافع و مصالح قومی خویش جذب کرده‌اند. آنها با سیطره بر رسانه‌های گروهی، نفوذ و هدایت افکار عمومی، رخنه در کاخ سفید و کنگره، ایجاد جو فشار بر نمایندگان و دولت‌مردان، تصدی مشاغل کلیدی، تسلط بر مراکز تصمیم‌گیری و در دست داشتن اقتصاد، سیاست و فرهنگ عمومی جامعه آمریکا، به خوبی توانسته‌اند امکانات گسترده و عظیم این کشور پهناور را در راه تامین خواسته‌ها و اهداف خود به کار گیرند. (کریمیان، ۱۳۸۶، ۶۲۷) دیوید دیوک، عضو سابق کنگره آمریکا، با اشاره به قدرت شگفت‌انگیز یهودیان می‌گوید: «نیروی یهودیت به‌طور روزافزون در درون دولت و رسانه‌های جمعی آمریکا آنچنان رشد و توسعه پیدا کرده است که برخی معتقدند آنان در دژهای مستحکمی قرار گرفته‌اند، به طوری که هیچکس نمی‌تواند به آنها حمله کند.» (دیوک، ۱۳۹۰، ۱۴۴)

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چرا یهودیان در آمریکا تا این اندازه قدرتمند می‌باشند؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه پژوهش نیز این‌گونه مطرح می‌شود که یهودیان به‌واسطه قدرت اقتصادی عظیم و مؤثر، در دست داشتن اکثر رسانه‌های گروهی و استفاده از آنها در جهت هدایت افکار عمومی به‌سود خود و وجود لابی رسمی یهودی قدرتمندترین قومیت در آمریکا محسوب می‌شوند.

یک. آغاز رابطه

در سپتامبر ۱۶۵۴، اولین کشتی حامل یهودیان در سواحل آمریکای شمالی لنگر انداخت و

بدین ترتیب، تاریخ روابط مردم آمریکا و یهودیان آغاز شد. اگرچه آنها با مخالفت ساکنان اولیه آمریکا مواجه شدند، ولی توانستند آداب و رسوم خود را حفظ کنند و همبستگی شدید و کمک متقابل بین آنها پدید بیاید. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۴۸-۱۱) گرایش دولت‌مردان آمریکا نسبت به اصالت سرمایه و اقتصاد شرایط و فضای مناسبی را جهت قدرت یافتن سرمایه‌داران به وجود آورد. الکساندر همیلتون، اولین وزیر خزانه‌داری آمریکا، مدافع آشکار حاکمیت ثروت و سرمایه‌داری بود. او معتقد بود: «تنها کسانی که پول دارند و در خانواده آبرومندی متولد شده‌اند، قادر خواهند بود که حکومت خوبی به وجود آورند و آن را اداره کنند. قدرت دولت باید به قدرت صاحبان پول متکی باشد، زیرا اینها روشن‌بین‌ترین و مطمئن‌ترین حامیان واقعی یک حکومت هستند.» این چنین بود که از همان ابتدای تشکیل آمریکا پول‌سالاری یا سرمایه‌سالاری تبدیل به بارزترین ویژگی آن کشور گردید. الکسیس دو توکویل، جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب *دموکراسی در آمریکا* در این باره می‌نویسد: «من هیچ ملتی را سراغ ندارم که به اندازه مردم آمریکا عاشق پول باشند و پول چنین جایگاه مهمی در قلبشان داشته باشد، ملت آمریکا مجموعه‌ای از ماجراجویان و سوداگران است.» (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳، ۳۴-۹) بر این اساس یهودیان با شناخت صحیحی که از جامعه آمریکا به دست آوردند، درصد برآمدند با استفاده از برنامه‌های دقیق و حساب‌شده و ثروت و سرمایه خود، مراکز تصمیم‌گیری و قدرت این کشور را در حیطه نفوذ خود درآوردند. یهودیان آمریکا به خوبی توانسته‌اند از امکانات گسترده این کشور در راه تامین منافع و اهداف خود استفاده کنند. آنها در حال حاضر به بازیگران بسیار مهمی در عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا تبدیل شده‌اند. روزنامه اسرائیلی *هآرتص* در بیست اوت ۲۰۰۴ به مناسبت جشن سپتامبر و یادبود سیصدوپنجاهمین سالروز پیدایش جامعه یهودی آمریکا در یادداشتی تحت‌عنوان «عصر طلایی یهود در آمریکا» می‌نویسد: «اهمیت گسترش قدرت یهودیان آمریکا نه تنها کمتر از تاسیس دولت اسرائیل نیست، بلکه بیشتر است. هرچند تاسیس اسرائیل به مردم یهودی حق حاکمیت [نامشروع] بر یک سرزمین را داد، اما آمریکا دارای جایگاه ویژه‌ای در تاریخ یهودیان است. یهودیان آمریکا به وضعیت بی‌سابقه‌ای از قدرت دست پیدا کرده‌اند که می‌توانند به سیاست‌های قدرت شماره یک دنیا شکل دهند. پیشرفت

در تمامی جنبه‌های زندگی و نفوذ در عرصه سیاسی برای یهودیان هیچ‌وقت تا این حد سابقه نداشته است. اکنون روشن است که سیصدوپنجاه سال تبعید به آمریکا عصری طلایی را به وجود آورده است که تاریخ یهود هرگز در گذشته تجربه نکرده است.» (کالینز پایپر، ۱۳۸۷، ۱۶-۱۵) شکی نیست با وجود جایگاه مقدس اسرائیل برای یهودیان، امروزه آمریکا عملاً به اورشلیم جدید و مرکز قدرت یهودیان تبدیل شده است. این قدرت آنچنان زیاد است که یهودیان با افتخار آمریکا را کشوری متعلق به خود می‌دانند و اعتقاد دارند که دیگر نه تنها اقلیت نیستند، بلکه بخشی از اکثریت‌اند.

دو. عوامل اقتدار اقلیت یهود در آمریکا

ویژگی‌های جامعه یهودیان، سازمان‌ها و تشکل‌های یهودی و تسلط بر رسانه‌های گروهی از مهم‌ترین عوامل اقتدار یهودیان در آمریکا می‌باشد.

الف. ویژگی‌های جامعه یهودیان

ویژگی‌های منحصر به فرد یهودیان آمریکا که آنها را از دیگر اقلیت‌های آن کشور متمایز می‌سازد، زیربنای قدرت یهودیان به‌شمار می‌رود. این ویژگی‌ها شامل انسجام، سطح نخبگی و قدرت اقتصادی است. انسجام یهودیان بیش از هر چیز دارای سرچشمه‌ای تاریخی است که پیامد آن ایجاد ذهنیت انسجام و همکاری میان آنها بوده است. گذشته تلخ مشترک و ترس از آینده مبهم، شرایطی را برای یهودیان فراهم آورده است که از نظر روانی به یکدیگر نزدیک شوند و این نزدیکی می‌تواند مبنای فکری اقدامات مشترک را پایه‌ریزی کند. نتیجه این اقدامات مشترک میان یهودیان چیزی جز انسجام آنها نخواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۱۳) در این میان سران یهود با جوسازی و دامن زدن به حوادث تاریخی و بزرگ‌نمایی و تحریف این حوادث باعث تحریک احساسات یهودیان می‌شوند و آنها را به انسجام و وحدت بیشتر ترغیب و تشویق می‌کنند. بخش مهمی از موفقیت یهودیان آمریکا، معلول تلاش و فعالیت، استفاده از فرصت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی آنهاست. ثروت روزافزون آنها به همراه از

میان رفتن موانع اجتماعی و ایجاد فرصت‌های تحصیلی موجب گردید تا یهودیان بتوانند وارد جریان‌های اصلی جامعه آمریکا شوند.

ب. سازمان‌های یهودی

یهودیان با تکیه بر توانایی‌ها و امکانات خود و استفاده از پیوندهای دینی و قومی گسترده و محکم درون‌گروهی، اقدام به تاسیس سازمان‌ها، تشکل‌ها و مؤسسات متعددی کرده‌اند. لی اوبرین در این باره می‌نویسد: «بیش از دویست سازمان یهودی در آمریکا وجود دارد که این موضوع، این امر را به اثبات می‌رساند که اقلیت یهود سازمان‌یافته‌ترین اقلیت در آمریکا می‌باشد. کنیسه‌ها، مراکز مخصوص جوانان، جوامع و آژانس‌های ارتباطی، مؤسسات جمع‌آوری کمک‌های مالی، گروه‌های فرهنگی و آموزشی و لژهای برادری نمونه‌هایی از این سازمان‌ها می‌باشند.» (اوبرین، ۱۳۷۵، ۱۶)

مهم‌ترین هدف این سازمان‌ها و تشکل‌ها که به لابی یهود مشهور شده‌اند، گسترش نفوذ یهودیان در مراجع مهم تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا است تا بدین وسیله منافع و مصالح یهودیان در داخل و خارج این کشور تامین شود. به‌طور کلی سازمان‌های یهودی در آمریکا به دو دسته اجتماعی و سیاسی تقسیم می‌شوند. سازمان‌های اجتماعی بیشتر با بدنه جامعه یهودیان مرتبط بوده و فعالیت‌های خود را بر آنها متمرکز می‌کنند. فعالیت این سازمان‌ها شامل حفظ همبستگی، ایجاد ارتباط، طرح موضوعات جدید، زمینه‌سازی برای شرکت در انتخابات، جمع‌آوری کمک‌های مالی، آموزش و اطلاع‌رسانی می‌باشد. در این میان هماهنگی کاملی میان سازمان‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد و سازمان‌های سیاسی با استفاده از فضا سازی سازمان‌های اجتماعی به دستاوردهای مطلوب خود در فضای سیاسی آمریکا دست می‌یابند. این سازمان‌ها با ایجاد ارتباط با نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی آمریکا شرایط را برای تحقق اهداف یهودیان فراهم می‌سازند. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۴۸-۱۱) کارکنان حرفه‌ای آموزش‌دیده، برنامه‌های گسترده اجتماعی، سیاسی و شبکه‌های دقیق ارتباطات داخلی مشخصه اغلب سازمان‌های عمده یهودی است.

هدف اصلی لابی یهود حمایت از اسرائیل و تقویت روابط آمریکا با این کشور می‌باشد. تلاش‌های لابی یهودیان در تحقق این هدف، محصول مشترک فعالیت بسیاری از سازمان‌های

یهودی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

یک. «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» (آیپک) که در سال ۱۹۵۴ توسط اشعیا ال. کنن،^۱ سخنگوی هیئت اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل، تاسیس شد. این سازمان مهم‌ترین و قدرتمندترین سازمان یهودی آمریکاست و از آن به عنوان سخنگوی اسرائیل در آمریکا یاد می‌شود. آیپک هدف خود را استحکام بخشیدن هرچه بیشتر به روابط آمریکا و اسرائیل اعلام می‌کند و مدعی است که صدها هزار نفر از اعضایش را آمریکایی‌هایی تشکیل می‌دهند که به حساسیت خطرانی که متوجه اسرائیل است، آگاهند. (<http://hyperlink.AIPAC.com>)

دو. «کنفرانس رؤسای سازمان‌های بزرگ یهودی»^۲ که در سال ۱۹۵۹ توسط ناهوم گلدمن و در دوره ریاست جمهوری آیزنهاور تاسیس شد. این سازمان که به «کلوپ رؤسا» نیز معروف است، در حقیقت صدایی برای مطرح کردن مسائل مربوط به اسرائیل و انعکاس نظر رهبران سازمان‌های بزرگ یهودی آمریکاست تا از هر نوع تعارضی بین این سازمان‌ها جلوگیری کرده و سیاست‌های آنها را با هم هماهنگ سازد. تقویت رابطه آمریکا و اسرائیل، بررسی مسائل مهم سیاست خارجی مؤثر بر یهودیان و محافظت از ارزش‌ها و تامین امنیت یهودیان در سراسر دنیا از جمله مهم‌ترین اهدافی است که این سازمان خود را ملزم به انجام آن می‌داند. (<http://http://hyperlink.Conference.of.Presidents.com>)

سه. «کمیته یهودیان آمریکا»^۳ که در سال ۱۹۰۶ توسط گروهی از یهودیان آمریکا و در واکنش به وضعیت یهودیان روسیه تاسیس گردید. این سازمان هدف خود را ایجاد اتحاد در بین یهودیان آمریکا برای دفاع از حقوق یهودیان در آمریکا و جهان اعلام داشته است. (<http://hyperlink.AJC.org>)

پ. تسلط بر رسانه‌ها و افکار عمومی

با گسترش رسانه‌های همگانی و گردش اطلاعات در آنها، نیروی تازه‌ای با عنوان افکار عمومی

1. Isiah L. Kenen
2. Conference of President of Major American Jewish Organization
3. American Jewish Committee

پا به صحنه گذاشته است که رسانه‌ها در تشکیل و هدایت آن نقش بارز و انکارناپذیری را بازی می‌کنند. قدرت افکار عمومی آنچنان است که آبراهام لینکلن آن را نیرومندتر از قانون‌گذاران می‌داند و معتقد است که افکار عمومی است که باعث می‌شود لوایح به تصویب برسند و یا جلوی تصویب آنها گرفته شود. (امجد، ۱۳۹۰، ۶۹)

یهودیان از قرن نوزدهم به بعد، به نقش غیرقابل انکار تسلط بر رسانه‌ها در پیشبرد اهداف خود به خوبی آگاه بودند. در سال ۱۸۹۷ اولین کنگره صهیونیسم در شهر بال سوئیس به رهبری تئودور هرتزل برگزار شد. در این کنگره قطعنامه‌ای صادر شد که به «پروتکل رهبران صهیونیست»^۱ معروف شد. در بند دوازدهم این قطعنامه چگونگی سیطره یهود بر رسانه‌های فراگیر (به ویژه مطبوعات) تشریح شد. در این بند آمده است: «تمام رسانه‌هایی که بازگوکننده اندیشه‌ها هستند باید به‌طور کلی در اختیار ما باشند. باید تمام مطبوعات را در قبضه داشته باشیم تا هر وقت بخواهیم احساسات مردم را پیرامون مسئله‌ای برانگیزیم و هر زمان که اراده کنیم، جدلهایی که در خدمت منافع ما باشد، به‌راه بیاندازیم و از این طریق بر اذهان سیطره پیدا کنیم.» (جدید بناب، ۱۳۸۶، ۷۷-۷۶) گزارش‌ها و تفاسیر رسانه‌ای هم بر افکار عمومی و هم بر واکنش‌های سیاسی تاثیر می‌گذارند. نظر مثبت افکار عمومی می‌تواند بسیاری از سیاست‌ها را نزد عموم مردم محبوب سازد، در حالی که نگرش‌های منفی باعث می‌شود تا زمینه سیاسی برای مقابله با موضوع مورد نظر مهیا شود. تلاش‌های لابی یهود در محدوده نظام سیاسی و گرایش‌های فرهنگی جامعه عمل می‌کند. از آنجا که بستر فرهنگی در داخل آمریکا طرفدار صهیونیسم است، سازمان‌های طرفدار اسرائیل این مزیت را دارند که مخاطبان آنها قبل از اجرا از لحاظ فکری آماده شده باشند. در چنین بستری است که رسانه‌ها نقش محوری دارند. در جامعه نسبتاً آزادی‌مانند آمریکا پوشش خبری می‌تواند به شکل مناسبی به‌عنوان یک معیار عمل کند تا به ارزیابی تصور رایج و متداول راجع به یک موضوع بپردازد. (تری، ۱۳۸۸، ۴۳ و ۲۵)

چیزی که بیش از هر چیز تاثیر یهودیان را بر افکار عمومی جامعه آمریکا وسعت داده است،

1. The Protocols of Elders of Zion

سلطه یهودیان بر رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون و آژانس‌های خبری به‌ویژه مطبوعات است. از آنجا که رسانه به‌عنوان یک ابزار در خدمت بشر درآمده است، صاحبان آن سعی می‌کنند از این ابزار به بهترین وجه ممکن برای القای اهداف خود استفاده کنند.

در طول چند دهه اخیر بیش از صدها فیلم سینمایی در مورد مذهب، تاریخ، مسائل قومی، شخصیت‌ها، رویدادها و آرمان‌های اخلاقی و سیاسی یهودیان در آمریکا ساخته شده است. اغلب این فیلم‌ها با تحریف وقایع تاریخی و توصیف اغراق‌آمیز شرایط بسیار سخت زندگی یهودیان در پی این هستند که به‌طور نامحسوس و ناخودآگاه بر ذهن مخاطب اثر گذاشته و این نکته را به او القاء کنند که یهودیان مردمانی پاک، مومن، مظلوم و ستم‌دیده هستند و قوم یهود در طول تاریخ همیشه به ناحق مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. (اوحدی، ۱۳۷۴، ۵۸۴-۵۷۳) از جمله این فیلم‌ها می‌توان از «فهرست شنیدلر» و «پیانیسست» نام برد که از ویژگی‌های رایج در این فیلم‌ها تأکید بر زندگی بسیار سخت یهودیان و شخصیت‌های کلیشه‌ای مظلوم و ترحم‌برانگیز است.

«تلویزیون در حال حاضر چشم و گوش آدم‌هاست»؛ این رساترین تعریفی است که از تلویزیون در دایره‌المعارف آمریکا ثبت شده است. تلویزیون یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها در شکله به افکار عمومی در آمریکا می‌باشد. مشهورترین شبکه‌های تلویزیونی جهان سه شبکه آمریکایی A.B.C, C.B.S, N.B.C می‌باشند که صدها میلیون نفر در سراسر جهان ایده‌های خود را از این شبکه‌ها می‌گیرند؛ سه شبکه‌ای که در اختیار یهودیان است (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳، ۳۴-۹) این شبکه‌ها نه‌تنها بیشترین برنامه‌های تلویزیونی آمریکا را تحت پوشش خود دارند، بلکه دارای سهم بسیار زیادی در پخش برنامه‌های رادیویی و برنامه‌های سرگرم‌کننده و تفریحی نیز می‌باشند. یهودیان تنها در حدود سه درصد از مردم آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما تقریباً کسانی که شکل‌دهنده ذهنیت مردم آمریکا نسبت به واقعیت‌ها هستند، یهودی می‌باشند. از اوایل قرن گذشته میلادی و هنگامی که سرمایه‌داران یهودی در آمریکا به نیروی مسلط اقتصادی این کشور بدل شدند، به‌تدریج شمار روزنامه‌ها و نشریاتی که در کنترل یهودیان بود، افزایش یافت.

توان یهودیان در استفاده از رسانه‌های مکتوب به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آنان را می‌توان در اداره نیویورک تایمز روزنامه‌ای معتبر و بانفوذ و ملی آمریکا، مشاهده کرد. این

روزنامه که تقریباً تمامی نشریات و روزنامه‌های دیگر کشور از آن و سیاست‌هایش الگوبرداری و تبعیت می‌کنند، در حقیقت یکی از حکمرانان پایتخت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکاست که توان تصمیم‌گیری در خصوص بازتاب‌دادن برخی رویدادها و عدم بازتاب اخباری دیگر را در سطح ملی و بین‌المللی دارا می‌باشد. نیویورک تایمز یکی از اربابان بی‌رقیب خبررسانی مکتوب در آمریکاست که اخبار را سازمان‌دهی می‌کند و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به آمریکا و سایر نقاط جهان جهت‌فکری می‌دهد. نکته اساسی این است که این روزنامه در کنترل سرمایه‌داران و سیاست‌گذاران یهودی قرار دارد. (کاوای، ۱۳۸۷، ۷۸-۴۵) روزنامه نیویورک تایمز راهنمای غیررسمی آمریکاییان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی سرگرمی و مد است. این روزنامه دارای تیتراژ یک میلیون و صدهزار نسخه‌ای در روز می‌باشد و از آن به‌عنوان یک منبع بسیار گسترده تولید و پخش خبر در سطح آمریکا یاد می‌شود. اعتبار و نفوذ روزنامه نیویورک تایمز به حدی است که از آن به‌عنوان «منبع ملی» یاد می‌شود. منبع ملی به روزنامه‌هایی اطلاق می‌شوند که در کتاب‌ها و نوشتارها از بایگانی آن به‌عنوان مدرک منابع تاریخی یاد می‌شود. (<http://www.NewYorkTimes.com>)

سه. رابطه ویژه

رابطه آمریکا و اسرائیل در دنیای امروز یک رابطه ویژه و استثنایی است. یکی از عوامل کلیدی این رابطه که آن را از روابط عادی متمایز ساخته است، روابط سازنده سیاسی و قدرتمندانه‌ای است که بین دو کشور ورای پیوندهای دولتی وجود دارد. در کانون این روابط جامعه یهودیان سازمان‌یافته آمریکا قرار دارد که همراه سایر گروه‌ها و اعضای کنگره و سنای غیریهودی یک مجموعه پر قدرت طرفدار اسرائیل را تشکیل می‌دهند. توماس ا. داین، مدیر اجرایی سابق آپیک، در مورد این رابطه ویژه و ضرورت آن می‌گوید: «ما دیگر در مورد تغییر روابط صحبت نمی‌کنیم، ما در مورد یک انقلاب صحبت می‌کنیم.» (شونبام، ۱۳۸۹، ۵)

رابطه این دو کشور آنچنان نزدیک است که در هیچ دوره‌ای از تاریخ روابط بین‌الملل نمی‌توان مورد کاملاً مشابهی را مثال زد. اظهار نظر جیمی کارتر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در این مورد

جالب توجه می‌باشد. وی معتقد است: «رابطه آمریکا و اسرائیل بیش از یک رابطه ویژه است، این رابطه‌ای منحصر به فرد است که امکان ندارد دچار تزلزل گردد؛ زیرا در وجدان، اخلاق، دین و اعتقادات مردم آمریکا ریشه دارد.» (ذاکری، ۱۳۸۲، ۸۸-۴۹) کالین پاول، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، از منظر دیگری بی‌نظیری این رابطه را توضیح می‌دهد. وی در سال ۲۰۰۳ گفت: «ایالات متحده و اسرائیل در جنگ و صلح با غرور تمام در کنار یکدیگر ایستاده‌اند. مردم این دو کشور به واسطه وجود سنن و ارزش‌های دموکراتیک مشترک با یکدیگر پیوند خورده‌اند. پنجاه سال است که چنین بوده است و از این پس نیز چنین خواهد بود.» (سبحانی و دیگران، ۱۳۸۴، ۹۷-۱۱۶)

قدرت و نفوذ بسیار زیاد یهودیان در آمریکا باعث شده است که بسیاری از سیاستمداران و حتی شخصیت‌های نظامی این کشور همواره نسبت به قدرت این اقلیت احساس خطر کنند و نسبت به عواقب آن هشدار دهند. از جمله اظهارنظرهای جالب در این مورد را می‌توان در صحبت‌های دو تن از رؤسای ستاد مشترک ارتش آمریکا، جرج براون و توماس مورر مشاهده کرد. ژنرال براون در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در مورد قدرت یهودیان می‌گوید: «اسرائیل کودک نازپرورده آمریکاست که پس از تسلط و اشراف یهود بر ایالات متحده آمریکا، بانک‌ها و مطبوعات آن به‌مثابه یک بار سنگین نظامی بر آمریکا تحمیل شد. به عقیده وی آنها متعلق به سرزمینی بیگانه‌اند که در کشوری دیگر از اقتدار بسیار زیادی برخوردارند.» (الرفاعی، ۱۳۸۱، ۱۴۲)

دریاسالار مورر در مورد تاثیرات یهودیان و دولت‌مردان اسرائیلی بر آمریکا معتقد است: «من تاکنون رئیس‌جمهوری از آمریکا ندیده‌ام که پشتیبان اسرائیل نباشد، این امر ذهن‌ها را سردرگم می‌کند. اسرائیلی‌ها و یهودیان همیشه به هر چه می‌خواهند می‌رسند، آنها همیشه می‌فهمند که چه اتفاقی در حال جریان است. مردم ما اگر بفهمند که این افراد چه تسلطی بر دولت آمریکا دارند، فریادهای اعتراض‌آمیز خود را اعلام خواهند کرد، اما مطمئناً مردم از آنچه در جریان است بی‌اطلاع هستند.» (ویر، ۱۳۸۴، ۱۰۵-۹۸) آبا ابان، وزیر خارجه اسبق اسرائیل، در کتاب خود با عنوان *داستان ملت من* می‌نویسد: «هیچ‌گاه در تاریخ یهود مشاهده نشده است که یهودیان در یک سرزمین صاحب چنین سلطه و نفوذ گسترده‌ای باشند.» (ذاکری، ۱۳۸۲، ۸۸-۴۹) البته باید به این نکته توجه کرد که قدرت یهودیان در آمریکا تنها به عملکرد آنان در این کشور محدود

نمی‌شود. گروه‌های دیگری در آمریکا وجود دارند که بدون اینکه اعضای آنها را یهودیان تشکیل داده باشند، بیش از یهودیان برای حفظ منافع اسرائیل تلاش می‌کنند.

«مسیحیان دست‌راستی» (مسیحیان صهیونیست) نمونه‌ای قابل ذکر از این گروه‌ها می‌باشند. ریشه فکری صهیونیسم، ۲۵۰ سال قبل از هرتزل و کنگره بال سوئیس در میان مسیحیت غیریهودی رواج پیدا کرد. جنبش‌های مسیحی پروتستان که در اواسط قرن هفدهم در اروپا ظاهر شدند، بر این باور بودند که قبل از بازگشت مسیح باید یهودیان به فلسطین بازگردند. این جنبش‌ها افکار عمومی را برای بازگشت یهودیان به فلسطین آماده می‌کردند. آنها در ایالات متحده رشد و پیشرفت بسیار زیادی داشتند به طوری که امروزه در حدود ۴۰ میلیون نفر از مردم آمریکا به پروتستانیسیم (طرفداران بازگشت یهودیان به فلسطین) وابستگی دارند. پروتستان‌ها معتقدند که قبل از بازگشت مسیح سه کار باید انجام پذیرد: تشکیل اسرائیل، اشغال بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل و احداث معبد سلیمان بر خرابه‌های مسجدالاقصی. (قویدل، ۱۳۸۰، ۲۳۲-۲۲۱) این مسیحیان تشکیل دولت یهودی در سال ۱۹۴۸ را براساس تحقق وعده الهی و پیش‌بینی‌های «عهدعتیق» (تورات) توصیف می‌کنند. آنها به استناد روایت «از هر ده ملت یکی برای کمک به مردم اسرائیل قیام خواهد کرد»، حمایت خود را از دولت یهود توجیه می‌کنند. (ذاکری، ۱۳۸۲، ۴۹-۸۸)

موضع سیاسی صهیونیست‌های مسیحی به اسرائیل بیشتر برگرفته از مذهب است و آنها اساساً از پشت عینک مذهبی و کتاب مقدس به آن نگاه می‌کنند. اسرائیل برای راست‌مسیحی حالتی ویژه و خاص دارد. رهبران و فعالان این گفتمان معتقدند که اسرائیل و یهودیان نزد خداوند جایگاه خاصی دارند و اسرائیل «نور چشمی خداوند» تلقی می‌کنند. جری فالول و پت رابرتسون دو تن از این رهبران هستند که پا را از این هم فراتر گذاشته و می‌گویند: «آمریکا هیچ چاره‌ای جز حمایت از اسرائیل ندارد. اگر این حمایت کاهش یابد خداوند به شدت آمریکایی‌ها را مجازات خواهد کرد.» (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷، ۱۰۳-۱۰۲) هاگی یکی دیگر رهبران این گروه در اظهارنظری عجیب می‌گوید: «ما از اسرائیل حمایت می‌کنیم، زیرا تمامی ملت‌ها ساخته دست بشرند، اما اسرائیل به وسیله خدا آفریده شده است.» (میرشایمر و والت، ۱۳۸۸، ۱۶۷) البته این

نکته قابل توجه است که صهیونیسم مسیحی نمی‌تواند گفتمان قابل توجیهی در خصوص حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل باشد. آمریکا با برخی دیگر از کشورهای اروپایی اشتراکات تاریخی و فرهنگی زیادی دارد، اما هیچگاه تا این حد از آنها حمایت نکرده است. حضور گسترده یهودیان طرفدار اسرائیل در مراکز حیاتی قدرت آمریکا، همانند کنگره و قوه مجریه سبب شده است این کشور با اینکه یکی از قدرتمندترین کشورهای حال حاضر دنیا می‌باشد، در موارد بسیاری مجبور شود نسبت به اقدامات خصمانه و قانون شکنی اسرائیل و عوامل وابسته به آن چشم‌پوشی کند. برخی از این اقدامات که توصیف پیوندهای خارج از عرف دیپلماتیک میان آمریکا و اسرائیل را آسان‌تر می‌سازد، عبارتند از:

یک. حمله عمدی جنگنده‌های اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به ناو مخابراتی «یواس.اس. لیبرتی» آمریکا در آب‌های بین‌المللی که باعث کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر از افسران نیروی دریایی آمریکا شد. در آن زمان لابی یهود، کنگره و دیگر افراد صاحب نفوذ در دولت «جانسون»، وی را وادار کردند تا بدون نشان دادن واکنش به این حمله، به یک عذرخواهی رسمی از سوی اسرائیل بسنده کند. (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳، ۳۴-۹) اسناد و مدارکی همچون شنود مکالمات رادیویی کشتی و وجود پرچم ایالات متحده بر فراز کشتی که به‌وضوح قابل مشاهده بود، عمدی بودن حمله را به اثبات رساند. نکته قابل توجه در این رویداد، نحوه برخورد دولت آمریکا با این مسئله بود. این کشور همانند کشورهای جهان سومی که از طرف کشور قدرتمندی مورد حمله قرار می‌گیرند، عمل کرد و به نیروهای تحت امر خود که شاهد ماجرا بوده و از این حمله نجات پیدا کرده بودند، دستور داد که در این مورد سکوت کنند و به عذرخواهی رسمی و دریافت غرامت راضی شوند. (Petras, 2006, 31-32)

دو. کشف عامل جاسوسی اسرائیل دوران جنگ سرد در آمریکا مورد دیگری است که بی‌نظیری روابط آمریکا و اسرائیل را به اثبات می‌رساند. جان اتان پولارد، جاسوس اسرائیل در پنتاگون، برای سالیان متمدای اسرار بسیار سری و طبقه‌بندی شده پیرامون مسائل جاسوسی، ضدجاسوسی و برنامه‌های راهبردی نظامی را به سرقت برده و به طرف‌های اسرائیلی تحویل می‌داد. این بزرگ‌ترین مورد جاسوسی بود که از سوی یک دولت دوست و متحد ایالات متحده در تاریخ آن کشور صورت

می‌گرفت. سرانجام در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، پولارد در اثر تبلیغات گسترده‌ای که لابی یهود به نفع او به راه انداخته بود، تبرئه و آزاد شد. (قوبدل، ۱۳۸۲، ۱۳۴-۱۱۱) سه. از دیگر نشانه‌های استیصال آمریکا در برابر اسرائیل را می‌توان در حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و مقر پنتاگون، که از آن به‌عنوان بدترین حمله به آمریکا در تاریخ این کشور یاد می‌شود، مشاهده کرد. در ۱۲ سپتامبر شبکه «فاکس نیوز»، با توجه به اطلاعاتی که از ماموران فدرال و دیگر منابع اطلاعاتی آمریکا به دست آورده بود، گزارش داد که پس از این حملات ۶۰ جاسوس اسرائیلی که بسیاری از آنها جاسوسان فعال نظامی هستند، به اتهام عملیات تروریستی و بر اساس قانون میهن پرستی آمریکا دستگیر شده و در بازداشت به سر می‌برند. اهمیت موضوع در آن بود که بازجویان فدرال شواهدی در دست داشتند که این جاسوسان با اینکه از حملات ۱۱ سپتامبر خبر داشتند، ولی هرگز سعی نکردند آن را با متحد خود، آمریکا، در میان بگذارند. در این مورد نیز همانند موارد دیگر، واشنگتن آنچنان تحت نفوذ اسرائیل قرار داشت که بر ارتباط جاسوسان اسرائیلی با این حادثه و عدم همکاری آنها برای جلوگیری از آن سرپوش گذاشت؛ جاسوسانی که بدون محاکمه از آمریکا خارج و راهی اسرائیل شدند. (Petras, 2006, 33-34)

نتیجه‌گیری

در حدود ۳۶۰ سال از ورود اولین یهودیان به ایالات متحده آمریکا می‌گذرد. اگرچه آنها در سرزمین جدید بسیار درمانده و مستاصل به نظر می‌رسیدند، با همبستگی بی‌نظیری که به مرور زمان بین آنها به وجود آمد موفق شدند به تدریج به قدرتمندترین گروه قومی در آمریکا تبدیل شوند. این انسجام بسیار بالا به همراه قدرت اقتصادی عظیم این قوم، ویژگی‌های منحصر به فردی است که زیربنای قدرت آنها در آمریکا به حساب می‌آید. شناخت صحیح یهودیان از جامعه آمریکا و استفاده از شرایط و فضای مناسبی که این کشور جهت فعالیت‌های اقتصادی داشته و دارد، موجب شده است یهودیان با برنامه‌های حساب شده درصد برآیند به ارکان سیاسی این کشور نفوذ کنند. آنها با تکیه بر امکانات خود و برای نفوذ بیشتر در آمریکا سازمان‌ها و تشکل‌هایی را

به وجود آورده‌اند تا از طریق آنها به طرز مؤثرتری منافع خود را در داخل و خارج آمریکا دنبال کنند. هدف اصلی این سازمان‌ها تلاش برای جلب حمایت قاطع آمریکا از اسرائیل و تقویت روابط آن دو با یکدیگر است. سلطه بر رسانه‌های گروهی عامل مهم دیگری است که یهودیان برای هدایت افکار عمومی مردم آمریکا و دیگر نقاط جهان، در راستای منافع و اهداف خود از آن استفاده می‌کنند. جملگی این عوامل دست‌به‌دست یکدیگر داده‌اند تا اقلیت یهودی بتواند قدرتمندترین کشور دنیا را به چالش بکشد. استیصال و درماندگی آمریکا در برابر اسرائیل آنچنان است که در بسیاری از موارد مجبور شده است در برابر اقدامات قانون‌شکنانه اسرائیل در مورد خود نیز چشم‌پوشی کند. حمله به ناو مخابراتی آمریکا در آب‌های بین‌المللی و جاسوسی‌های گسترده عوامل این رژیم از آمریکا، نمونه‌هایی از این اقدامات می‌باشد.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. الرفاعی، فواد بن عبدالرحمن (۱۳۸۱)، *نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌های خبری*، ترجمه حسین سروقامت، تهران: کیهان.
۲. احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، *لایبی و لابیگر در آمریکا*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۳. امجد، محمد (۱۳۹۰)، *سیاست و حکومت در آمریکا*، تهران: سمت.
۴. اوپربین، لی (۱۳۷۵)، *سازمان‌های یهودیان آمریکا و اسرائیل: بنای برتس، لابی‌ها، کنگره یهودیان*، ترجمه علی ناصری، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
۵. اوحدی، مسعود (۱۳۷۴)، «یهود و یهودیت در سینما»، *فصلنامه هنر*، شماره ۲۸.
۶. تری، جنیس جی (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه: نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ*، ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین و رضا سیمبر، تهران: سمت.
۷. جدیدبناب، علی (۱۳۸۶)، *عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. دیوک، دیوید (۱۳۹۰)، *هولوکاست و نفوذ یهودیان در آمریکا*، ترجمه محمدرضا میرزاجان، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
۹. ذاکری، سیدقاسم (۱۳۸۲)، «صهیونیسم مسیحی و خاستگاه مذهبی حمایت آمریکا از اسرائیل»، *کتاب آمریکا ۳*، ویژه روابط آمریکا و اسرائیل، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۱۰. سبحانی، نگین و جنسن، تباری و مولی، رزم (۱۳۸۴)، «یک ارتباط ویژه: تاثیر گروه‌های فشار بر سیاست خارجی آمریکا در برابر اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۲۳ و ۲۴.
۱۱. سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (۱۳۹۳)، «آپیک و تاثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره ۱۱.
۱۲. شونبام، دیوید (۱۳۸۹)، *ایالات متحده و اسرائیل*، ترجمه محمود ملکی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۳. طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۲)، «خواستگاه‌های قدرت یهودیان آمریکا»، *کتاب آمریکا ۳*، ویژه روابط آمریکا و اسرائیل، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۱۴. طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۱)، *لابی یهودیان کارگزار تحریم ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵. قوبدل، مهدی (۱۳۸۰)، «داستان اختاپوس صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۹.
۱۶. قوبدل، مهدی (۱۳۸۲)، «بررسی منافع راهبردی ایالات متحده در حمایت نامشروط از اسرائیل»، *کتاب آمریکا ۳*، ویژه

روابط آمریکا و اسرائیل، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

۱۷. کالینز پایپر، مایکل (۱۳۸۷)، قدرت پنهان در آمریکا، ترجمه علیرضا عبادتی، تهران: روایت فتح
۱۸. کاویانی، علیرضا (۱۳۸۷)، «رسانه، پیام، مخاطب و انحصار- بازنمایی روند سلطه بر ابررسانه‌های جهان»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴.
۱۹. کریمیان، احمد (۱۳۸۶)، یهود و صهیونیسم: تحلیل عناصر قومی، تاریخی و دینی یک فاجعه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. میرشایمر، جان. جی و والت، استیفن. ام (۱۳۸۸)، گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا، ترجمه رضا کامشاد، تهران: نشر فرزانه روز.
۲۱. وبر، مارک (۱۳۸۴)، «نگاهی به لابی قدرتمند یهودیان»، فصلنامه سیاحت غرب، شماره ۳۱.

22. Petras, James (2006), The Power of Israel in the United States, Clarity Press, Inc.

23. <http://hyperlink.AIPAC.com>

24. <http://hyperlink.AJC.org>

25. <http://www.Conference of Presidents.com>

26. <http://www.NewYorkTimes.com>